**هو الابهی**

ای امة اللّه و ابنة امته اگر چه آن طیر حدیقه محبت بگلشن باقی شتافت و بگلزار معنوی پرواز نمود لکن فرقت پر حرقتش آتش در آن قلوب اماء رحمن افروخت اهل حرم کبریاء از این خبر محزون و پریشان و دلخون و گریان شدند این نظر بالفت و محبّت و مودّت است که من دون اراده متأثّر میشوند و این از رقّت و لطافت قلب است و الّا نفوس مطمئنّه از صعود از این دار غرور مستبشرند و از عروج از عالم تنگ و تاریک محفوظ و مسرور آن شعاع نورانی بشمس حقیقت راجع و آن قطرهٴ صغیره ببحر اعظم وارد و آن گل گلستان معانی بجنّت رحمانی و گلشن ملکوت ابهٰی واصل محزون مباش مخمود مباش (عبدالبهاء عبّاس)